

بررسی اصول فرهنگی سبک زندگی اسلامی با رویکرد قرآنی

محمد رضا سلمانی^۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۳۱

چکیده

سبک زندگی اسلامی در تمام شئون زندگی مسلمانان باید جریان یابد و براساس آموزه‌های قرآنی برای ابعاد مختلف زندگی خود از جمله مسائل فرهنگی برنامه‌ریزی کنند. در مسائل فرهنگی، اصول قرآنی سبک زندگی اسلامی را باید اصل توکل و توسل، شایسته‌سالاری و مسئولیت‌پذیری دانست که مورد تأکید قرآن قرار گرفته است. اهمیت پرداختن به موضوع از این جهت است که مشاهده می‌شود جامعه امروز متأثر از تبلیغات و فعالیت رسانه‌ای کشورهای غربی در شبکه‌های اجتماعی است و سبک زندگی اسلامی جای خود را به سبک زندگی غربی داده که آسیب‌های فرهنگی و اقتصادی را به همراه خواهد داشت. به منظور آگاه ساختن مردم نسبت به سبک زندگی اسلامی و قرآنی باید در این موضوع تحقیق شود. پرسش اصلی این نوشتار که با روش توصیف داده‌ها بدان پرداخته شده این است که اصول فرهنگی سبک زندگی اسلامی براساس قرآن کدامند. نتیجه پایانی این تحقیق این است که مهمترین اصول فرهنگی سبک زندگی اسلامی عبارتند از: اصل توکل و توسل، شایسته‌سالاری، مسئولیت‌پذیری و اصل مدارا کردن با مردم.

کلیدواژگان: اصول فرهنگی، سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، قرآن، فرهنگ.

بررسی اصول فرهنگی سبک زندگی اسلامی با رویکرد قرآنی

در آیات قرآن به اصول و پایه های اساسی سبک زندگی اسلامی اشاره شده است. سبک زندگی، مجموعه ای از رفتار و کردارهای انسان است که زندگی خود را براساس آن ها پیش برده و نیازهای خود را برطرف می سازد. در آیات و روایات در مورد مسائل فرهنگی که یکی از زمینه های مهم سبک زندگی به شما می رود، اصولی ذکر شده که مسلمانان باید آنها را بعنوان نقشه راه زندگی خود قرار دهند. همچون: اصل توکل و توسل، شایسته سالاری، مسئولیت پذیری و اصل مدارا کردن با مردم.

عدم توجه به این اصول نتیجه ای جز خارج شدن زندگی انسان از مسیر درست و صحیح قرآنی و قرار گرفتن در مسیر سبک زندگی غیراسلامی و غربی ندارد. همچنان که در جامعه امروز این نکته به خوبی قابل مشاهده است و بسیاری از افراد متأثر از تبلیغات و فعالیت غربی ها در شبکه های اجتماعی و ترویج سبک زندگی سرمایه داری، بدنبال پیروی از این سبک و اجرایی کردن آن در زندگی خود هستند.

انگیزه نگارش مقاله حاضر را باید اینگونه بیان نمود که جلوگیری از ترویج سبک زندگی غربی در کشور اسلامی ایران و جایگزینی آن بجای سبک زندگی اسلامی، مستلزم انجام فعالیت پژوهشی و تبلیغی و همچنین فرهنگ سازی در جامعه است. این اثر با انگیزه پیشبرد این هدف به تحقیق و پژوهش در این زمینه پرداخته است.

توجه به اصل ساده زیستی

یکی از اصول فرهنگی سبک زندگی اسلامی براساس آموزه های قرآنی، اصل ساده زیستی و پرهیز از تجمل گرایی و سبک زندگی سرمایه داری است. در سالیان اخیر با توجه به علل مختلفی از جمله شبکه های ماهواره ای و فضای مجازی، سطح توقعات جوانان از زندگی مشترک بالا رفته و انتظار دارند در آغاز زندگی خود تمامی امکانات رفاهی را داشته باشند؛ غافل از این که می توان زندگی مشترک را با حداقل امکانات آغاز کرد و زن و شوهر در کنار یکدیگر زندگی خود را تکمیل کرده و به سایر اهداف خود مثل خرید خانه و ماشین و ... دست پیدا کنند.

در مسیر تحقق این امر، عوامل متعددی اثربخش هستند؛ مهم ترین آن ها را می توان ساده زیستی مسئولین مملکت دانست. ساده بودن زندگی رهبران و کارگزاران و الگوهای جامعه در نهادینه ساختن این فرهنگ در بین مردم اثر به سزایی دارد. الگوبرداری از زندگی کسانی که نقش هدایت و راهنمایی را بر دوش دارند و الگوگیری از آنان، موضوعی است که در آموزه های دینی و روان شناسی، مورد توجه قرار گرفته است. از امام علی نقل شده است که فرمودند: «مردم به حاکمان خود شبیه تر هستند تا به پدرانشان» (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

ساده زیستی، با نحوه نگرش انسان به دنیا ارتباطی مستقیم دارد. کسی که دنیا را همه چیز و منتهای آمال و آرزوهای خود می پندارد، نمی تواند ساده زیست باشد. یکی از روش هایی که در تقویت ارزش های اخلاقی،

به ویژه ساده زیستی مؤثر است، توجه دادن انسان به منزلت خویش است. کسی که بداند دنیا ابزاری بیش نیست، هرگز خود را به دنیای پست و زودگذر نمی فروشد و اسیر مظاهر دنیوی نمی شود (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ص ۴۵۸)

فطرت انسان‌ها به سمت خوبی‌ها گرایش دارد. پس مهم آن است که ساده‌زیستی به عنوان یک ارزش معرفی گردد. دستگاه‌های تبلیغاتی، به ویژه صدا و سیما با ساخت برنامه‌های گوناگون، می‌توانند ساده زیستی را در جامعه به عنوان یک فرهنگ ترویج کنند و مردم را به تهاجم فرهنگی دشمن که در جهت دگرگونی ارزشها قدم بر می‌دارد، متوجه سازند و این فرهنگ را در بین مردم جامعه نهادینه سازند (همان).

بنابراین یکی از راهکارهایی که می‌تواند تأثیر بسیار زیادی در دوری جستن جوانان از روی آوردن به ازدواج سفید و سایر ارتباطات خارج از چارچوب عرف دارد، ترویج فرهنگ ساده زیستی در جامعه است. اگر این فرهنگ در بین تمام افراد به خصوص جوانان نهادینه شود، به دور از تجملات و با پایین آوردن سطح توقعات خود می‌توانند اقدام به ازدواج نموده و زندگی مشترک خود را آغاز نمایند.

اصل ولایت‌مداری

یکی از اصول فرهنگی سبک زندگی اسلامی اصل ولایت‌مداری است. منظور از ولایت پذیری در این جا ولایت فقیه عادل و جامع الشرائط است. در آیه ۱۰۹، سوره مبارکه یوسف به این مؤلفه اذعان شده است. خداوند متعال در این آیه چنین می‌فرماید: «بگو: این راه من است که من و هر کس از من پیروی کرد با بصیرت و بینایی به خدا دعوت می‌کنیم، و خدا منزّه است و من از مشرکان نیستم».

خدای سبحان در این آیه به پیامبر خویش دستور می‌دهد که دعوت خود را برای مشرکان بیان دارد یعنی اینکه من از روی یقین و معرفت و دلیل قاطع به توحید خدا و عدل و دین او دعوت می‌کنم، نه از روی تقلید. مطلب مهمی که از این آیه بدست می‌آید آن است که شخص دعوت کننده باید با اطمینان و بصیرت و دلیل قاطع دست به کار تبلیغ و دعوت گردد و تقلید در این راه صحیح نیست (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۳۲ق: ج ۵، ص ۳۱۰).

این جمله نشان می‌دهد که هر مسلمانی که پیرو پیامبر است به نوبه خود دعوت کننده به سوی حق است و باید با سخن و عملش دیگران را به راه خدا دعوت کند و نیز نشان می‌دهد که «رهبر» باید دارای بصیرت و بینایی و آگاهی کافی باشد، و گرنه دعوتش به سوی حق نخواهد بود. در واقع بصیرت و بینش، نور درونی است که شخص با آن نور می‌تواند در میان مردم، سالم و سازنده زندگی کند. این انسان با بصیرت است که راه را از چاه و حقیقت را از امر غیر حقیقی باز می‌شناسد و با در نظر گرفتن اطلاعات و داده‌ها، گزینشی برتر و بهتر دارد،

و در ارائه رأی و نظر، تصمیم صحیح و درست را اتخاذ می کند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۳: ج ۱۰، ص ۹۵).

امام علی در خطبه ای به یاران خود دستوراتی می دهد که آنها را از خطرات این فتنه های دشمن و جنگ نرم محفوظ می دارد. این امام همام می فرماید: «ای مردم افسار این حیوانات را که بارهای سنگینی بر پشت دارند از دست خود رها سازید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷).

این جمله کنایه از این است که حوادثی که در اطراف شما رخ می دهد که بارهای فتنه و فساد را بر دوش دارند شما رهبری آنها را بر عهده نگیرید و به پیشرفت آنها کمک نکنید. سپس می افزاید: «هرگز اطراف پیشوای خود پراکنده نشوید که سرانجام، خویشان را به موجب اعمال خود نکوهش خواهید کرد خود را در آتش فتنه ای که در پیش است نیفکنید و از مسیر آن دوری گزینید. وسط راه را برای عبور آن باز گذارید» (مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۲۵۸، خطبه ۱۸۷).

این سخن اشاره به آن است که اگر مردم با فتنه ها همکاری نکنند و از آن دوری گزینند و راه عبور آن را باز نگهدارند، ضایعاتش بسیار کمتر است درست مانند سیلاب عظیمی که مردم توانایی بر کنترل آن ندارند ولی اگر راه باز باشد به دره ها و دشت ها سرازیر می شود و ضایعاتش کمتر می شود. در پایان خطبه، امام ۷ اشاره به موقعیت خود می کنند تا غافلان بیدار شوند و از وجود پر فیض او بهره گیرند، می فرماید:

«مثل من در میان شما، هم چون چراغ در تاریکی است که هر کس در ظلمت قرار گیرد، از نور آن بهره می برد، ای مردم بشنوید و سخنانم را حفظ کنید و گوش های قلب خود را آماده سازید تا کلامم را کاملا بفهمید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷).

امام هنگامی که حوادث تلخ آینده و ظلمات فتنه ها را پیش بینی می کند، راه نجات آن را نیز نشان می دهد و کسی که تکلیف و وظیفه خود را در عصر فتنه نداند، چه بسا در مسیر اهداف فتنه گران واقع می شود، پس ولایت و اطاعت معیار تشخیص وظیفه برای هر فردی است و بصیرت چراغ راه آن هاست. در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران، نیز به این امر اشاره گردیده است:

«و همگی به ریسمان خدا که قرآن و اهلیت است چنگ زنید، و پراکنده و گروه گروه نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل های شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید، و بر لب گودالی از آتش بودید، ولی شما را از آن نجات داد؛ خدا این گونه، نشانه های قدرت، لطف و رحمت خود را برای شما روشن می سازد تا هدایت شوید».

بنابراین یکی از مهمترین اصول سبک زندگی مسلمانان می باشد، ولایتمداری و تبعیت از ولی امر مسلمین در تمام امور و در همه مسائل است. این چنین می توان سبک زندگی اسلامی را در جامعه نهاییه ساخت.

اصل برخورداری از بصیرت دینی

یکی دیگر از اصول فرهنگی سبک زندگی اسلامی که در آیات قرآن نیز مورد اشاره قرار گرفته، اصل برخورداری از بصیرت دینی و بصیرت افزایی است. بصیرت عبارت است از قوه ای که قلب شخص را نورانی می کند و او با کمک این نور می تواند حقیقت امور را دریابد و حق را از باطل تشخیص دهد. به عبارت دیگر می توان گفت بصیرت موجب تشخیص درست واقعیت مسائل می گردد. به همین دلیل است که در هنگام مواجهه با فتنه ها کاربرد بسیاری دارد و به انسان کمک فراوانی می کند (شهرانی، دایرة المعارف قرآن، ۱۳۸۴: ص ۱۴۸).

در قرآن درباره بصیرت به دفعات سخن گفته شده است. به طور مثال در سوره فاطر می فرماید: «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ» (فاطر / ۱۹)؛ نابینا و بینا یکسان نیستند. در قسمت دیگری از قرآن از قول پیامبر اکرم می فرماید:

«بگو: این راه من است که من و هر کس از من پیروی کرد با بصیرت و بینایی به خدا دعوت می کنیم، و خدا منزّه است و من از مشرکان نیستم» (یوسف / ۱۰۹).

در آیات فوق به وضوح مشخص است که وجود بصیرت در انسان از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. به گونه ای که رسول خدا ۶ نیز به آن تأکید نموده است. در روایات اهل بیت: نیز به این موضوع اهتمام ویژه ای ورزیده شده است. حضرت علی در این خصوص می فرماید: «انسان بصیر کسی است که به درستی می شنود و فکر می کند و از عبرت ها پند می گیرد. سپس راه روشن را انتخاب می کند و از افتادن در پرتگاه ها و گم شدن در کوره راه ها دوری می کند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳).

در این روایت حضرت علی درباره ویژگی های شخص با بصیرت سخن گفته و عوامل ایجاد بصیرت را می شمارد. فرد بصیر از کنار اتفاقات بدون توجه و دقت گذر نمی کند؛ بلکه حوادث را تجزیه و تحلیل می کند و از آن ها درس عبرت می گیرد تا در وقایع بعدی بتواند مسیر صحیح را از غلط تشخیص دهد. هم چنین امیرالمؤمنین در بیان اهمیت بصیرت می فرماید: «هر کس در هنگام فتنه ها بصیرت و بینش داشته باشد، درهای حکمت به روی او باز می شود» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱).

زمانی که فتنه ها در جامعه به وجود بیایند، فضای حاکم بر جامعه غبار آلود شده و تشخیص راه حق از باطل بسیار سخت خواهد شد. زیرا ماهیت فتنه این گونه است که حق و باطل را در هم می آمیزد تا تشخیص آن ها از یکدیگر آسان نباشد. از این رو اگر انسان از بصیرت کافی هنگام مواجهه با فتنه های فرهنگی آخرالزمان برخوردار نباشد، با مشکل روبرو شده و این احتمال وجود دارد گرفتار ضلالت و گمراهی شود. چنین است که

بصیرت افزایی می تواند در تغییر سبک زندگی کنونی تأثیرگذار باشد و سبک زندگی اسلامی را در جامعه نهادینه سازد (آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، ۱۳۸۹: ص ۲۱۴).

اصل توکل و توسل در زندگی

اصل توکل و توسل در زندگی، یکی دیگر از اصولی است که در سبک زندگی اسلامی باید مورد توجه مسلمانان قرار گیرد. توکل از ریشه (وکل) می باشد و در معنای آن آمده که: «بنده برای رسیدن به آرزوهایش از همه مردم قطع امید کند و تنها به خداوند امید داشته باشد و حوائج خود را تنها از او بخواهد» (طریحی، مجمع البحرین، ۱۴۲۹ق: ج ۵، ص ۴۹۳).

منظور از توکل این است که انسان در چارچوب علل مادی و محدوده توانایی خود محاصره نگردد و چشم خود را به حمایت و لطف پروردگار بدوزد، این توجه مخصوص، آرامش، اطمینان و نیروی فوق العاده روحی و معنوی به انسان می بخشد که در رویارویی با مشکلات اثر عظیمی خواهد داشت (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۳: ج ۷، ص ۸۸).

خداوند در قرآن در خصوص توکل می فرماید: «از خدا بپرهیزید! و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند!» (مائده/ ۱۱).

پیامبر اکرم از جبرئیل پرسید: «توکل» بر خدای عزوجل چیست؟ گفت: دانستن اینکه مخلوقاتش، نه ضرری می رسانند نه نفعی، نه چیزی می دهند، نه مانع چیزی می گردند، باید از مخلوقاتش مأیوس گشت وقتی بنده به این درجه رسید، آنگاه برای غیر خدا کار نمی کند و قلبش به بیراهه نمی رود و از غیر او نمی هراسد و به غیر او دل نمی بندد، این است معنای توکل (ابن فهد حلی، احمد، عده الداعی و نجاح الساعی، ۱۳۸۰: ص ۱۵۹).

شخص متوکل در شرائط سخت و گرفتاری های سخت به جای تشویش، اضطراب بی مورد و فکرهای منفی و احساس یأس و ناامیدی و اتخاذ تصمیمات و افعال نادرست و ناصواب با اعتقادی که ناشی از ایمان او به خداوند است؛ خداوند را حاضر، ناظر و قادر می بیند و می داند که در صورت در پیش گرفتن راه درست و استقامت در این طریق، خداوند راه نجات را برای او فراهم خواهد کرد و سختی و گرفتاری را به آسایش و راحتی تبدیل خواهد نمود (جوادی آملی، مفاتیح الحیاء، ۱۳۹۲: ص ۵۲۱).

فرد گرفتار و مضطر با توکل واقعی به خداوند هیچگاه از رحمت الهی مأیوس نمی گردد و می داند اگر از خدا چیزی بخواهد اجابت می کند و در این صورت از پریشانی و رنجوری روان رها پیدا کرده و مشکلات بزرگ برای او کوچک و کم اهمیت جلوه می نماید و با در پیش گرفتن راه درست در برخورد با مشکلات گوناگون، خود را از قرار گرفتن در معرض خطر آثار ناشی از سختی ها و گرفتاری های زندگی مانند استرس،

افسردگی، اضطراب و تشویش که به انحاء مختلف زمینه ایجاد بیماری های روح و روان می شود، مصون می دارد (نراقی، معراج السعاده، ۱۳۸۹: ص ۶۶۳).

از یک طرف اداره امور خود را به نیروی برتر از سایر نیروها و اراده های دنیوی واگذار نموده و از سوی با اعتقاد کامل به حکیم بودن خداوند آنچه که از مصائب به او رسیده را امری از سوی پروردگار خود می داند که تمام از روی حکمت است و خیر او را خداوند در اینگونه ابتلائات قرار داده است و خداوند را خیرخواه بندگان دانسته اگر چه برخی امور را ما نپسندیم:

«چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است. و خدا می داند، و شما نمی دانید» (بقره ۲۱۶).

اصل دعا و مناجات با معبود

یکی از مهمترین اصول فرهنگی در سبک زندگی اسلامی، توجه به دعا و مناجات با خداوند و غافل نشدن از یگانه معبود است. فیروزآبادی در معنای دعا می نویسد: «الدُّعَاءُ: الرَّغْبَةُ إِلَى اللَّهِ» (فیروزآبادی، محمد، قاموس المحيط، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۳۲۹). یعنی دعا همان میل و توجه به سوی خداوند است. راغب اصفهانی می گوید: «دَعْوَتُهُ: إِذَا سَأَلْتَهُ وَ إِذَا اسْتَعَثَّ وَ الدُّعَاءُ إِلَى الشَّيْءِ: أُلْحِثَ عَلَى قَصْدِهِ» (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲ق: ص ۱۷۰). پس دعا را به معنای خواندن به سوی چیزی دانسته است. یعنی کسی را به چیزی و کاری دعوت کردن. مشهورترین آیه ای که درباره دعا در قرآن کریم ذکر شده است و آیه دعا شهرت دارد، آیه ۶۰ سوره غافر است که می فرماید: «وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (غافر / ۶۰).

با وجود این که مخاطب می داند این پروردگار عالم است، اما باز هم خداوند آن را با «و قال ربکم» آغاز می کند و به این مطلب تصریح می کند تا تأثیر مطلب در وجود مخاطب عمیق تر شود و اهمیت آیه برای او نمایان تر گردد. در این آیه از کلمه «رب» استفاده شده که اشاره به ربوبیت خداوند دارد و دلالت بر قبول شدن دعای بندگان می کند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۳: ج ۲۰، ص ۱۴۷).

بدین بیان که وقتی ما شما را بدون دعا و درخواست خودتان پرورش داده ایم و رشد یافته اید، حال اگر شما از ما درخواستی داشته باشید، چگونه آن را رد می کنیم؟ به طور مثال نوزادی که تازه متولد شده است که از خداوند تقاضا نکرده تا به او طریقه شیر خوردن و مکیدن پستان را بیاموزد، بلکه پروردگار رحمان و رحیم این عمل را بدون درخواست او، به او می آموزد (همان).

اشخاص با یادآوری صفات خداوند، توانایی های پروردگار را مرور می کنند و همین تصویر مثبت از قدرت خداوند به انسان آرامش می بخشد. دعا و یاد خدا اثر تلقین کنندگی و القای مثبت در مورد بهبود اوضاع را در ذهن انسان به همراه می آورد. بطور نمونه امام سجاد علیه السلام در دعای هفتم صحیفه سجاده می فرماید: «ای اسم مقدسی که از برکت تو گره رنج ها و غم ها گشوده می شود و ای نام مبارک که به یاد تو فشار بلاها آرام می گیرد و بار سنگین محنت ها به مدارا و ملایمت می گراید... تو آسایش بخش تا رنج نینم... به سویم رو کن تا اعراض در جهان را به هیچ بشمارم» (صحیفه سجاده، دعای ۷).

نیایش در تسکین و آرام بخشی انسان اثری اعجاب انگیز دارد و بیان هیجان ها، اعتراف و دعا به مثابه شیوه های برون ریزی مطرح هستند. البته جهت تأثیر هر چه بیشتر دعا در کاهش فشار روانی و تأمین بهداشت روان باید به مهمترین و اساسی ترین ارکان دعا یعنی ایمان به خدا و اعتقاد به ربوبیت خدا در کنار شرایط دعا چون: اخلاص، اطاعت و حضور قلب توجه داشت. با دعا و نیایش آدمی خود را به مبدأ آفرینش نزدیک می بیند و از لحاظ روحی و جسمی علائم فیزیولوژیکی ناشی از اضطراب و فشارهای روانی در او کاهش می یابد (سلطانی، راهکارهای قرآنی در مبارزه با فشارهای روانی، ۱۳۹۰: ص ۱۰۷).

قرآن به اثر دعا در آرامش بخشیدن به نفوس نیز اشاره نموده است: «از اموال آنها صدقه ای (زکات) بگیر تا بوسیله آن آنها را پاک سازی و پرورش دهی، و به آنها هنگام گرفتن زکات دعا کن که دعای تو مایه آرامش آنهاست و خداوند شنوا و داناست» (توبه/۱۰۳).

خداوند با تضمین اجابت دعا با رعایت شرایط آن باعث رفع اضطراب و دلهره در فرد که گرفتار در مشکلات شده می شود، زیرا مؤمن امیدوار است که خداوند دعایش را اجابت کند و همین امیدواری منجر به کاهش اضطراب می شود (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۳: ج ۵، ص ۵۲۱).

اصل شایسته سالاری

یکی دیگر از اصول فرهنگی در سبک زندگی اسلامی، اصل شایسته سالاری است. شایسته سالاری به معنای آن است که شخص واجد برخی شرایط، معیارها و صلاحیت هایی باشد. هر که از صلاحیت بیشتری برخوردار باشد می تواند در تصدی مناصب حکومتی از دیگران سبقت بگیرد. هنگامی که افراد شایسته در یک حکومت اسلامی بر سر کار قرار گیرند، این توانایی و تخصص را دارند که وظایف و تعهدات خود را به بهترین شکل انجام دهند و در نتیجه شرایط جامعه رو به بهبود پیش خواهد رفت.

مردم نیز دیدگاه مثبتی نسبت به آن حکومت خواهند داشت. از نظر اسلام ویژگی منحصر و لازم برای تصدی هر شغل و منصبی، برخوردار بودن از تخصص لازم در آن زمینه است. در قرآن کریم هنگامی که حضرت

یوسف به عزیز مصر می گوید: «اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ» (یوسف / ۵۵)، دو ویژگی برای خود بر می شمارد، یکی دانش و دیگری امانت داری: «إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ».

این نشان می دهد برای انجام مسئولیت دو بال امانت داری و تخصص ویژگی بایسته است و فقدان آن باعث می شود فرد از وجهه مناسب برای انجام آن کار برخوردار نباشد. زیرا فقدان دانش باعث می شود فرد اموری که لازم نیست انجام دهد یا اموری که لازم است را رها نماید و در نتیجه ممکن است در اثر رفتار یک فرد غیر متخصص ضررهائی متوجه سایر افراد گردد. چنان که در روایتی از وجود مقدس پیامبر اسلام آمده است عمل بدون علم زیان افزون تری نسبت به مصالح آن دارد: «هر کس بدون علم و تخصص، کاری انجام دهد، بیش از آنکه آباد کند، خراب می کند» (برقی، محاسن، ۱۴۱۹ق:ج ۱ ص ۱۹۸).

جامعه ای که شایسته سالاری در آن رعایت شود و افراد متخصص عهده دار امور مربوط به تخصص و حرفه خود شوند، از لحاظ سیاسی و اقتصادی نیز پیشرفت کرده و دانش مردم افزایش می یابد. به همین دلیل است که تمام ائمه معصومین: در زمان حیات خود مخصوصاً آنهایی که حکومت مسلمین را برعهده داشتند در زمان حکومت خود، سعی داشتند افراد شایسته و کاردان را بر سر کار قرار دهند.

حضرت علی در دورانی که حکومت جامعه مسلمین را عهده دار بود، به کارگزاران خود تأکید داشت که در گزینش افراد برای اداره امور، شایسته یالاری را مدنظر قرار دهند. در بخشی از یکی از نامه های خود به مالک اشتر می فرماید:

«در امور کارگزاران ات بنگر آنها را آزموده بکار بگیر و واحدی تحت عنوان گزینش داشته باش تا صلاحیتها را بررسی کند و محور گزینش میل و گرایش شخصی تو نباشد؛ زیرا که این دو کانونی از شعبه های جور و خیانت است و از میان آنها افرادی که باتجربه تر و پاک تر و پیشگام تر در اسلامند برگزین، زیرا اخلاق آنها بهتر و خانواده آنها پاک تر و همچنین کم طمع تر و در سنجش عواقب امور بیناترند» (نهج البلاغه، نامه ۸۷). بنابراین در جامعه اسلامی که بر مبنای سبک زندگی اسلامی قرار است حرکت کند، باید اصل شایسته سالاری حاکم باشد. از مشاغل جزئی باید به این اصل توجه شود تا برسد به پست های کلان مدیریتی و مسئولیت های استانی و کشوری که در صورت عدم توجه به این اصل ممکن است تبعات جبران ناپذیری برای کشور ایجاد شود. به همین دلیل است که فرهنگ شایسته سالاری باید به عنوان یک اصل در کشور اسلامی نهادینه شود.

اصل مسئولیت پذیری

یکی دیگر از اصول فرهنگی در سبک زندگی اسلامی، اصل مسئولیت پذیری مسئولین و کارگزاران است. البته مسئولیت پذیری در ابعاد مختلفی مصداق دارد و تنها اختصاص به مسئولین ندارد. به طور مثال مسئولیت عبادی بدین معناست که انسان مسلمان در برابر تکالیف عبادی خود مسئول است و وظیفه انجام آنها را برعهده

دارد. مسئولیت مدنی عبارت است از این که انسان از حیث مالی در برابر خداوند، فرد و جامعه مسئولیت مدنی دارد؛ یعنی نمی‌تواند در مال دیگران تصرف کند و یا به فرد و جامعه، ضرر برساند (صدری، مفهوم سبک زندگی اسلامی و لزوم احیای آن در علوم اجتماعی، ۱۳۹۰: ص ۵۵).

مسئولیت‌پذیری برای سیاستمداران و دولتمردان که بار هدایت جامعه را بر عهده دارند بایسته و ضروری است و باید در برابر مردم مسئولیت‌های خطیری را که بر دوش دارند به نحو احسن انجام دهند. در این راستا مسئولان موظفند برخی مسائل را بیش از دیگران رعایت کنند. به طور مثال مسئولین یک حکومت برای آن که بتوانند مردم را با خود همراه سازند، لازم است که ساده زیست باشند. با توجه به این که دولت مردان یک جامعه در مرکز توجه مردم قرار دارند لازم است که مراقب نوع زندگی و زیست خود و اطرافیانشان باشند. حضرت علی در این باره می‌فرماید: «خداوند بر پیشوایان دادگر، واجب کرده است که زندگی خود را با طبقه ضعیف تطبیق دهند تا رنج فقر، برای مستمندان، دشوار نیاید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰).

مسئولین حکومتی باید با مردم ارتباط مستقیم داشته باشند تا از مشکلات آنها اطلاع و آگاهی کسب نمایند. مطالعه تاریخ اسلام این مطلب را اثبات می‌کند که همواره کارگزاران اسلام در بین مردم حضور داشته‌اند و مستقیماً از مشکلات آنان باخبر می‌شدند. درباره رسول خدا نقل کرده‌اند به گونه‌ای در بین مردم قرار می‌گرفت که گویی یکی از آنها بوده و اگر کسی ایشان را نمی‌شناخت و وارد آن جمع می‌شد نمی‌توانسته تشخیص بدهد کدام شخص حاکم اسلام است (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

اصل مدارای مسئولین با مردم

یکی دیگر از اصول فرهنگی در سبک زندگی اسلامی، مدارا کردن مسئولین با مردم است. مدارا به معنای تحمل مخالفت‌ها و صبر در برابر مخالفان است. این رفتار باعث جذب افراد می‌شود. شخصی که این توانایی را دارد با مخالفان خود مدارا کند بدین معناست که می‌تواند در عین حال که بر نظر و عقیده خود استوار است، در کنار افراد با عقاید و نظرات دیگر زندگی کند و با آنان تعامل داشته باشد. این عاملی می‌شود برای جذب افراد به سوی خود (میرعمادی، سبک زندگی، هویت و ساخت اجتماعی، ۱۳۷۸: ص ۵۹).

در حکومتداری، مدارا کردن با مردم از اهمیت بسیاری برخوردار است و می‌تواند موجب هدایت سیاسی آنان گردد. به همین دلیل است که ائمه معصومین نیز در دوران زندگی خود با این که دشمنان و مخالفان بسیاری داشتند اما همواره با مردم تعامل داشته و در برابر مخالفان صبر و تحمل داشتند. امام علی در دوران حکومت خود به این نکته توجه ویژه‌ای داشت و به کارگزاران خود نیز توصیه می‌کرد با مردم مدارا کنند (خادمیان، سبک زندگی و مصرف فرهنگی، ۱۳۸۷: ص ۲۰۴).

در یکی از سخنان ایشان چنین آمده است: «با مردم مدارا کن تا از مصیبت های آنان در امان باشی و در فکرهای آنان سالم بمانی» (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ۱۴۲۹ق: ص ۱۹۸، ح ۱۳۶۶).

اهمیت مدارا کردن با مردم به اندازه ای است که رسول خدا آن را در کنار فرائض و واجبات دین قرار داده و می فرماید: همانگونه که خداوند مرا به انجام واجبات امر کرده، به مدارا با مردم هم امر نموده است. خداوند در قرآن کریم در خصوص نحوه مدارا کردن با مردم می فرماید: «و نیکی با بدی یکسان نیست، پس تو بدی های مردم را با بهترین عکس العمل دفع کن آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است گویی دوستی یکدل می شود» (فصلت / ۳۴)

آیه فوق به صراحت به انسان آموزش می دهد که در برابر نظرات مخالف خود نباید عکس العمل منفی و واکنش دفعی نشان داد. بلکه باید با آنان مدارا کرد تا به تدریج با تو مهربان شوند و به سوی تو آیند. در سیره ائمه اطهار: به دفعات ذکر شده آن ها به قدری با مخالفان خود مدارا داشتند که آنها را شیفته رفتارشان می کردند و حتی در موارد متعددی زمینه گرایش مخالفان به تشیع را فراهم می کردند.

نتیجه گیری

نتایج بدست آمده از این تحقیق بدین شرح است:

۱- در جامعه اسلامی باید سبک زندگی مردم نیز مبتنی بر آموزه های اسلامی برنامه ریزی شود. غفلت از مسأله سبک زندگی می تواند خسارت های جبران ناپذیری بر پیکره جامعه وارد نماید. وقتی مردم نتوانند میان شیوه زندگی خود و باورها و ارزش های اخلاقی ارتباط برقرار نمایند، بعد از مدتی ممکن است دست از باورها و ارزش های خود برداشته و آنان را ناکارآمد تلقی کنند.

۲- با نگاهی به آداب و رسوم مختلف مردم کشور نشان می دهد که روح حاکم بر بسیاری از رفتارها نشأت گرفته از سبک زندگی غربی می باشد. سبک لباس پوشیدن، سبک غذا خوردن، سبک بهداشت و علم بهداشت، پیروی از فرهنگ غربی در کاهش هزینه های زمانی از طریق وسایلی چون اتومبیل، ماشین ظرفشویی، لباسشویی، یخچال های گران قیمت و ... ، سبک کار که انسان ها به جای بیدار بودن در بین الطلوعین و کار در روز و استراحت در ساعات آغازین شب، تا ساعات های بسیاری از شب را بیدار می نشیند و فرهنگ شب نشینی به علت رشد تکنولوژی رشد بسیاری داشته، همه این مسائل سبب شده سبک زندگی مردم در کشورمان زیاد نزدیک به سبک زندگی اسلامی نباشد.

۳- مهمترین اصول فرهنگی عبارتند از: اصل توکل و توسل، شایسته سالاری، مسئولیت پذیری و اصل مدارا کردن با مردم. هر یک از این اصول در آیات قرآن مورد تأیید و تأکید قرار گرفته که نشان از اهمیت آنها دارد.

۴- در سبک زندگی اسلامی اعتقاد به توحید باید به انسان بی‌آموزد که همه حرکات و سکنات برای رضایت خدا باشد. در سبک زندگی اسلامی اگر توحید در جان‌های مردم رسوخ کند زندگی هم توحیدی خواهد بود و مسلمانان بر مبنای آموزه‌های قرآنی برای زندگی خود برنامه‌ریزی می‌کنند.

فهرست منابع

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه.
۳. صحیفه سجادیه.
۴. آقابخشی، علی، «فرهنگ علوم سیاسی»، چ ۶، سبز، تهران، ۱۳۸۹ ه.ش.
۵. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، «شرح نهج البلاغه»، چ ۲۳، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۲۹ ه.ق.
۶. ابن فهد حلّی، احمد ابن محمد، «عدة الداعی و نجاح الساعی»، چ ۳، بنیاد معارف اسلامی، قم، ۱۳۸۰ ه.ش.
۷. برقی، احمد بن محمد، «المحاسن»، چ ۴، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۴۱۹ ه.ق.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد، «غررالحکم و دررالکلم»، چ ۲۸، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۹ ه.ق.
۹. جوادی آملی، عبدالله، «مفاتیح الحیاة»، چ ۸۶، اسراء، قم، ۱۳۹۲ ه.ش.
۱۰. خادمیان، طلیعه، «سبک زندگی و مصرف فرهنگی»، چ ۱، نشر کتاب، تهران، ۱۳۸۷ ه.ش.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین، «مفردات ألفاظ القرآن»، چ ۲، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۲. سلطانی، مهدی، «راهکارهای قرآنی در مبارزه با فشارهای روانی»، چ ۴، کاظمینی، تهران، ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۳. شهرانی، میرزا ابوالحسن، «دایرة المعارف قرآن»، چ ۳، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۴ ه.ش.
۱۴. صدری، احمد، «مفهوم سبک زندگی اسلامی و لزوم احیای آن در علوم اجتماعی»، چ ۱۶، نسل نوین، تهران، ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، چ ۱۹، المرتضی، بیروت، ۱۴۳۲ ه.ش.
۱۶. طریحی، فخرالدین، «مجمع البحرین»، چ ۱۶، مرتضوی، تهران، ۱۴۲۹ ه.ق.

۱۷. فیروزآبادی، محمد، «قاموس المحيط»، چ ۲، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ه.ق.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، چ ۳۲، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۸۳ه.ش.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، «پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)»، چ ۲۴، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۸۷ه.ش.
۲۰. میرعمادی، رضا، «سبک زندگی، هویت و ساخت اجتماعی»، چ ۲، بیهقی، تهران، ۱۳۷۸ه.ش.
۲۱. نراقی، احمد، «معراج السعاده»، چ ۲۹، دفتر نشر مصطفی، قم، ۱۳۸۹ه.ش